

نطق تاریخی آیت الله مدرس در جلسه غیر علنی مجلس

<https://psri.ir/?id=7jukvjd9>

دستخط آیت الله شهید مدرس به حسین پیرنیا رئیس وقت مجلس شورا ی ملی جهت استیضاح دولت

<https://psri.ir/?id=68ckj2bv>

مدرس : ضاربین خودم را می شناسم

<https://psri.ir/?id=b0vviosm>

روز هفتم آبان سال 1305 هجری خورشیدی آیت الله سید حسن مدرس از یک ترور که توسط عوامل رضاخان پهلوی برنامه ریزی شده بود جان سالم به در برد . در این حادثه دست کم چهار گلوله به دستان مدرس اصابت کرد . روزنامه اطلاعات در همان روز (1305/8/7) جزئیات حادثه را به شرح زیر آورده است:

.... امروز صبح واقعه مهمی در کوچه قرب مسجد سپهسالار اتفاق افتاده ، سه نفر تروریست به آقای مدرس حمله برده ، ایشان را مضروب و سخت مجروح می نمایند . یک نفر آژان مقتول و یک نفر هم مجروح می شود . تفصیل قضیه مطابق اطلاعاتی که کسب گردیده ، به قراری است که ذیلاً به عرض قارئین گرام می رسد :

آقای مدرس معمولاً صبح های خیلی زود پس از ادای فریضه و صرف چای برای تدریس طلاب به مسجد سپهسالار می روند و اغلب قبل از طلوع و موقع طلوع آفتاب در مسجد حاضر می شدند . امروز قدری زودتر از روزهای دیگر تقریباً شش ساعت به ظهر از منزل به اتفاق آقا شیخ احمد که اغلب با ایشان هستند از منزل خارج می شوند . همیشه ایشان از کوچه سرداری روبه روی کوچه میرزا محمود وزیر به مسجد یا مجلس می روند . امروز هم به حسب معمول از این کوچه عبور کردند . در انتهای این کوچه که داخل کوچه پشت مسجد سپهسالار و خیابان نظامیه می شود یک نفر غفلتاً به طرف آقای مدرس حمله برده و بنای شلیک را می گذارد . آن شخص مطابق اظهارات شیخ احمد عبا ی مشکمی بر دوش داشته و دست را با «برونینگ» از عبا خارج کرده و سعی می کرد به طرف سر آقای مدرس شلیک کند . آقا شیخ احمد به طرف ضارب حمله برده دست او را سخت نگه می دارد . ضارب نتوانست دست خود را رها کند و ماشه «برونینگ» که می خواسته شلیک کند بین دو انگشت آقا شیخ احمد را مجروح می کند . در این موقع از سه راه کوچه دو نفر دیگر حمله کرده بنای شلیک را می گذارند . آقا شیخ احمد دست او را رها کرده متوجه آن دو نفر می شود که شلیک زیادی کرده، درست در سر سه راه مقابل منزل آقای داور این قضیه واقع می شود. یک تیر به زانوی آقا شیخ احمد اصابت می کند که مختصر خراشی وارد می سازد ، چهار تیر هم به آقای مدرس اصابت می کند که سه تای آن به دست چپ خورده و خارج می شود ، یک تیر هم به بازوی راست اصابت می کند . آژان پست فوراً به محل حادثه رسیده به طرف ضارب حمله برده و با جدیت او را می گیرد ولی ضارب چند تیر به آژان شلیک نموده آژان می افتد و ضاربین فرار می کنند . مامورین پلیس که بر اثر صدا می رسند دو نفر از ضاربین را دستگیر و به کمیساریا جلب می نمایند . یک نفر عطار که منزلش نزدیک باغ پسته بوده و از عقب مدرس می آمده طرف حمله واقع و یک تیر هم به پای او اصابت و مجروح می شود . در این گیر و دار خود آقای مدرس با وجود اصابت چند تیر به بازویشان درب منزل آقای داور رازده و نوکرها در را باز کرده آقای مدرس و آقا شیخ احمد وارد محوطه دالان منزل آقای داور می شوند . نوکرها می روند آقای داور را از خواب بیدار کنند آقای مدرس مانع می شود قبا ی خود را کنده به آقا شیخ احمد می گویند زود دکتر شکوه را اطلاع بده او را بیاور . آقا شیخ احمد سراسیمه خارج می شود . در این موقع رئیس کمیساریای دولت و یک عده آژان و بعد هم رئیس تشکیلات نظمیه و مامورین تأمینات فوراً به محل قضیه حاضر شده آقای مدرس را به وسیله درشکه به کمیساریای دولت برده و از آنجا به مریضخانه نظمیه ارجاع می دارند

. آژان مقتول و شخص عطار مجروح رانیز به مریضخانه نظمیه می‌برند . دو نفر از ضاربین هم که گرفتار می‌شوند به کمیساریای دولت جلب و از آنجا به نظمیه برای استنطاق اعزام می‌دارند . چهار ساعت به ظهر آقای مدرس در مریضخانه نظمیه تحت معالجه قرار می‌گیرند . رئیس مریضخانه فوراً زخمها را شست و شو داده به خاطر خون زیادی که از بدن ایشان خارج شده بود و ضعف مزاجی احساس می‌شد انژکسیون هم برای تقویت زده شد . در صحن مریضخانه اجتماع زیادی از آقایان علما ، نمایندگان مجلس و محترمین حاضر شدند . در مریضخانه نظمیه آقای مدرس برای وصیت نامه خود قلم و کاغذ خواست و با دست راست که یک گلوله خورده بود وصیت نامه مختصری مرقوم داشته و در همان جا به آقای حاجی آقا جمال‌الدین اصفهانی تحویل داده ، ایشان هم مهر و تصدیق می‌نمایند و نیز مهر خود را به دکتر بهرامی داده و اظهار می‌دارند که اگر حیاتی باقی نماند مهر را بشکنند و الا برگرداند و ضمناً اظهار می‌دارند مطمئن باشید من نخواهم مرد . سپس وصیت نامه با عمامه و عصای آقای مدرس به منزل ایشان فرستاده می‌شود . پس از پانسمان و معالجه مختصر بر حسب مشورت اطباء و اظهارات آقایان علما اظهار می‌شود آقای مدرس را به مریضخانه دولتی ببرند و برای اینکه به ایشان صدمه نرسد ایشان را با همان تخت خواب منتقل کردند . یک ساعت به ظهر آقای مدرس را در حالی که روی تخت خواب خوابیده و با ملافه های سفید کاملاً ایشان را پوشانده بودند و اطراف تخت خواب را آژان مراقبت می‌کرد و جمعیت زیادی از آقایان علما ، نمایندگان مجلس و محترمین در عقب بودند به مریضخانه دولتی بردند . تخت خواب را به همان ترتیب وارد اتاق مخصوص مریضخانه نموده و قدغن شد غیر از اطباء کسی وارد اتاق نشود و آقایان دکتر لقمان الملک و دکتر اعلم الملک مشغول معاینه شدند . آنان پس از بازکردن زخم مجدداً پانسمان نموده و چون استخوان های بازوی چپ خرد شده بود تخته بندی نمودند . بعضی اشخاص که به دیدن ایشان می‌رفتند لایق قطع اظهار می‌داشتند که حالم بد نیست و مخصوصاً اظهار می‌نمودند که به رفقا بگویید حالم خوب است . آقایان علما ، نمایندگان مجلس و محترمین متدرجاً در صحن مریضخانه حضور پیدا می‌کردند . آقای رئیس‌الوزرا نیز قبل از ظهر در مریضخانه حضور یافته آقای مدرس را ملاقات و مذاکره نمودند و تعلیمات لازمه برای تعقیب و کشف قضیه صادر نمودند .

آقای رئیس مجلس پس از اطلاع از واقعه در عمارت مجلس حضور یافته رئیس کمیساریا را احضار و دستورات لازمه را برای تعقیب قضیه صادر و تا یک ساعت به ظهر مشغول مراجعه و اقدام بودند . بعضی از آقایان و کلاً هم متدرجاً در مجلس حضور یافته و از آنجا به مریضخانه رفتند . آقای ارباب کیخسرو رئیس مباشرت مجلس نیز از ابتدا مراقب حال آقای مدرس بودند و مخصوصاً در مریضخانه دولتی دستور دادند آنچه ضرورت و احتیاج پیدا می‌کند از طرف مریضخانه مراجعه شود و دو نفر پیشخدمت مجلس نیز برای مراقبت از طرف آقای ارباب گماشته شدند . یک ساعت به ظهر هم آقای تدین در مریضخانه حضور یافته آقای مدرس را ملاقات و با هیات دولت نیز مذاکرات زیادی در این باب نمودند .

مقارن ظهر آقای مدرس را با تخت خواب از اتاق جراحی به اتاق عمل بردند . در این موقع که آقای مدرس را از حیاط عبور می‌دادند با اغلب حضار صحبت می‌کرد و مخصوصاً از کاررونی خیلی احوالپرسی می‌کرد و اظهار می‌داشت که حالت روحی و مزاجیم بد نیست . آقای مدرس را به اتاق عمل بردند و در آنجا آقای دکتر بهرامی رئیس صحنه نیز حضور داشته و دست چپ آقای مدرس را گچ گرفتند . در نتیجه تحقیقات دکترها سه تیر به بازوی چپ ایشان اصابت نموده که یکی نزدیک شانه و یکی وسط بازو و یکی هم بالای مرفق اصابت و خارج شده است . گلوله وسطی به استخوان اصابت کرده و استخوانهای بازو را خرد کرده است . ولی دو گلوله دیگر از گوشت خارج شده است . همینطور گلوله دست راست از گوشت خارج شده ولی خود آقای مدرس به پزشکان اظهار داشته اند که یکی از تیرهایی که به دست چپ خورده چون دست راست را خواستم حائل خود قرار دهم به دست راست هم اصابت نموده است .

بین عده ای از نمایندگان مجلس در مریضخانه مذاکره می‌شد که مجلس شورای ملی بایستی برای ورثه آژان مقتول شهریه مکفی برقرار نماید و همین فردا باید مجلس این کار را انجام دهد . خود آقای مدرس هم در ضمن مذاکراتی که با اغلب نمایندگان و رجال نموده‌اند اظهار داشته اند که نسبت به ورثه آژان مقتول باید فوراً اقدام شود .

پس از آنکه دو نفر از دستگیر شدگان به اداره نظمیه جلب شدند حسب الامر رئیس تشکیلات نظمیه فوراً محکمه تشکیل و استنطاق آنها با حضور رئیس تأمینات و نماینده عدلیه و مدعی العموم شروع گردید . آقا شیخ احمد نیز در این کمیسیون برای دادن توضیحات لازمه حاضر بود و مطابق تشخیصی که آقا شیخ احمد داده و از روی استنطاقاتی که به عمل آمده یک نفر از آنان متهم شده و تحت تعقیب قرار گرفته است . از قرار معلوم شخص متهم عزیز نام ، نوکر صدیق حضرت بوده است . نسبت به یک نفر دیگر تا عصر اطلاعی نرسیده که در نتیجه اساس قضیه کشف نشده است . ولی اداره نظمیه با کمال جدیت مشغول تعقیب موضوع است و امروز از ابتدای حدوث واقعه تمام مامورین تأمینات وقت خود را صرف تعقیب و دستگیری اشخاصی که طرف سوء ظن هستند نموده است . آقای مدرس راجع به ضاربین اظهار داشته که آنها را می‌شناسم و یک نفر از آنها که لباس مشکی در بر داشته گلوله خالی می‌کرده و گفته که اگر مظنونین را بیاورید من می‌شناسم .

